



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دوره نهم - سال سوم

تاریخ چاپ ۱۳۹۳/۸/۱۸

شماره چاپ ۱۲۶۲

شماره ثبت ۵۲۴

دوفوریتی

طرح نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی

کمیسیونهای ارجاعی

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی: -

معاونت قوانین

اداره کل تدوین قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً طرح ذیل که به امضای ۷۳ نفر از نمایندگان رسیده است،

جهت طی مراحل قانونی تقدیم می‌گردد.

مقدمه (دلایل توجیهی):

با اینکه اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی زمینه‌ساز تعامل مثبت قوه قضائیه با قوای دیگر است و این اصل مسؤلیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با دو قوه دیگر را بر عهده وزیر دادگستری نهاده است و اختلاف نظرانی در مورد حدود اختیارات وزیر دادگستری در بین حقوقدانان و مسؤولان کشور مطرح بوده است با این حال تاکنون در خصوص این اصل هیچ قانونی وضع نشده است.

در سالهای اخیر به‌ویژه از اوایل مجلس هشتم طرح نحوه اجرای اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی مطرح گردید که با رأی قاطع نمایندگان فوریت آن طرح به تصویب رسید لیکن به دلیل اختلاف نظر در خصوص مفاد آن طرح به‌ویژه اختلاف حقوقی در مورد امکان انتقال برخی از سازمانهای وابسته به قوه قضائیه به قوه مجریه و نیز اختلاف در مورد سؤال نمایندگان از وزیر دادگستری و پاسخگویی ایشان به نیابت از قوه قضائیه به نمایندگان مجلس طرح مذکور در کمیسیون قضائی به نتیجه‌ای نرسید. در مجلس نهم با پیگیری مجدد همین طرح با تغییراتی در محتوا، با قید دوفوریت در دستور کار صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرار گرفت لیکن با

درخواست ریاست محترم قوه قضائیه و ایرادات قانون اساسی ایشان آن طرح نیز موکول به برگزاری جلسات حقوقی با ایشان گردید. طرحی که اکنون در اختیار دارید پس از طی مراحل قبلی و برطرف کردن ایرادات قانون اساسی و تأمین نظراتی که تاکنون شورای محترم نگهبان داده است و به منظور امکان سؤال از وزیر دادگستری و ضرورت پاسخگویی ایشان به نمایندگان مجلس در خصوص مسائل قوه قضائیه با رعایت استقلال قضات آماده شده است این طرح می تواند زمینه بهره گیری از ظرفیت وزارت دادگستری برای کارآمدی بهتر قوه قضائیه (که در سیاست های کلان مورد تأکید رهبر معظم بوده است) را فراهم سازد. طرح با قید دوفوریت است که در صحن علنی تکلیف آن روشن شود و به سرنوشت طرح های گذشته دچار نشود.

لذا طرح ذیل با قید دوفوریت تقدیم مجلس شورای اسلامی می گردد:

دهقانی نقندر - سیدشریف حسینی - آقاجری - بائوج لاهوتی -
 امیرآبادی فراهانی - عبادی - سبحانی نیا - ضرغام صادقی - میرمحمدی -
 حسین زاده بحرینی - مطهری - ناصری - اخوان بیطرف - رحیم زارع - آذین -
 زاکانی - افضلی فرد - قوامی - احمدی لاشکی - حسین فتاحی - صابری -
 غضنفرآبادی - پژمانفر - آشتیانی عراقی - سیدمرتضی حسینی - نادران -
 نگهبان سلامی - آریائی نژاد - کوثری - کارخانه - نجابت - تأمین لیجایی -
 رهبری - اسفغانی - فیروزی - منصوری آرائی - قابش - سیدبهلول حسینی -
 افخمی - حساجی دلیگانی - مددی - خجسته - سلطانی صبور -
 سیدشکرخدا موسوی - رحماندوست - محبی - شوشتری - سجادی -
 آقانهانی - سیدمحمدعلی موسوی - ملکشاهی - سیدباقر حسینی - پورمختار -
 خسروی سهل آبادی - شوهانی - کریمیان - وحید احمدی - خدائی سوری -

علیرضا خسروی - سلیمی - بیرانوند - عثمانی - محمد علی پور -
نقوی حسینی - بشیری - فلاحی باباجان - کیانی نژاد - سالک کاشانی -
اسماعیل نیا - محمد رجائی - قادری - رزم - مفتاح

عنوان طرح:

نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی

ماده ۱- وزیر دادگستری از میان حقوقدانانی که توسط رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می شوند انتخاب و برای اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی می شود.

ماده ۲- وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه را بر عهده دارد و از این حیث عهده دار امور ذیل است:

الف- ارائه لوایح قضائی تهیه شده توسط رئیس قوه قضائیه به دولت و پیگیری جهت تصویب آنها

ب- دفاع از لوایح قضائی در مجلس شورای اسلامی، اظهار نظر در مورد طرحهای مربوط به قوه قضائیه و هماهنگی لازم جهت پاسخگویی به کمیسیون اصل نودم (۹۰) قانون اساسی و همکاری جهت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در خصوص مسائل مربوط به قوه قضائیه

پ- پیگیری کلیه امور راجع به بودجه، نیروی انسانی و مسائل اداری مربوط به قوه قضائیه در هیأت وزیران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و دستگاههای اجرایی

ب- هماهنگی در امور بین‌الملل در خصوص تنظیم قراردادهای همکاری و معاضدت قضائی، استرداد مجرمان، انتقال محکومان و امضای اسناد و اجرای مفاد آنها با رعایت اصول قانون اساسی و نظر رئیس قوه قضائیه تبصره ۱- اختیارات مندرج در این ماده مانع از اعمال وظایف و اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه نیست.

تبصره ۲- به منظور پیگیری تصویب لوایح قضائی در هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی وزیر دادگستری موظف است نسبت به پیش‌نویس لوایح قضائی اشراف لازم را داشته باشد.

ماده ۳- آن دسته از برنامه‌های قوه قضائیه و نیازهای مالی این قوه و سایر اموری که منوط به تصویب هیأت وزیران است، پس از تأیید رئیس قوه قضائیه از طریق وزیر دادگستری به هیأت دولت ارائه خواهد شد.

ماده ۴- وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا موظف است در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد. وزیر دادگستری موظف است مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مانند سایر وزرا به سؤالات نمایندگان مجلس در مورد مسائل مختلف مربوط به قوه قضائیه پس از کسب اطلاع و با رعایت استقلال قضات، پاسخ دهد.

پرونده‌های جاری قضائی که سؤال پیرامون آنها استقلال قاضی را مخدوش و به عدالت قضائی لطمه وارد می‌کند و مسائل محرمانه مربوط به اشخاص مانند احوال شخصیه از شمول این ماده خارج است.

ماده ۵- مسؤولان واحدهای مختلف قوه قضائیه موظفند به منظور پاسخگویی وزیر به مجلس شورای اسلامی و اجرای مسؤولیت‌های مندرج در این قانون، اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وزیر دادگستری قرار دهند.

تبصره- در مواردی که رئیس قوه قضائیه براساس اختیارات مندرج در اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی (۱۵۶) ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به قوه قضائیه را ناقض استقلال قضائی و برخلاف مصالح نظام تشخیص دهد مراتب را به واحدهای مختلف موضوع این ماده ابلاغ می‌کند.

ماده ۶- رئیس قوه قضائیه می‌تواند امور مالی، اداری و استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. تفویض اختیارات مذکور باعث سلب اختیارات رئیس قوه نسبت به آن امور نمی‌باشد و وزیر دادگستری متناسب با اراده رئیس قوه قضائیه هماهنگی لازم را با ایشان به عمل می‌آورد.

ماده ۷- رئیس قوه قضائیه می‌تواند گزارش سوء عملکرد وزیر دادگستری را جهت اجرای اصل یکصد و سی و ششم (۱۳۶) قانون اساسی به رئیس‌جمهور ارائه دهد.

ماده ۸- آیین‌نامه اجرایی این قانون در مواردی که نیاز باشد توسط وزارت دادگستری تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. /ص

ضمیمه نظر اداره کل اسناد و تنقیح قوانین سوابق قانونی و دلایل ضرورت قانونگذاری

الف - دلایل ضرورت قانونگذاری

در موضوع این طرح، قوانین متعددی وجود دارد که مناسب است نسبت به تعیین تکلیف آنها اقدام شود. از جمله ماده (۶) طرح که تکرار مفاد قسمت اول ماده واحده «وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در مواردی که اختیارات و وظایف مالی و اداری و استخدام غیرقضائی شورای عالی قضائی به وی تفویض می گردد مصوب ۱۳۶۷/۲/۲۸ است؛ که لازم است به طور صریح نسبت به این قانون اعلام نظر شود.

ب - سوابق قانونی

جدول سوابق قانونی نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصتم (۱۶۰) قانون اساسی

ردیف	عنوان	تاریخ تصویب	مواد	متعارض
۱	سیاست های کلی قضایی	ابلاغی مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸		
۲	قانون اساسی		۱۶۰، ۹۰، ۱۵۶، ۱۳۶، ۱۵۸	
۳	قانون مسئولیت قوه قضائیه	۱۳۶۶/۷/۲۶	ماده واحده	
۴	قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه	۱۳۷۱/۱۲/۹	ماده واحده	
۵	قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه	۱۳۷۸/۱۲/۸	ماده واحده	
۶	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه	۱۳۹۲/۷/۳۰	ماده واحده	
۷	قانون وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در مواردی که اختیارات و وظایف مالی و اداری و استخدام غیر قضائی شورای عالی قضائی به وی تفویض می گردد.	۶۷/۳/۳	ماده واحده	
۸	قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)	۱۳۸۹/۱۰/۲۵		
۹	نظر شورای نگهبان در ارتباط با اصل ۱۶۰ قانون اساسی حدود اختیار وزیر دادگستری	۱۳۵۹/۰۹/۱۱		نظر شورای نگهبان
۱۰	قانون نظارت بر رفتار قضات	۱۳۹۰/۷/۱۷	کل مواد	

سیاست‌های کلی «قضایی» ابلاغی مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸

- ۱- اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاست‌های مذکور در بندهای بعدی.
- ۲- نظام‌مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاه‌ها.
- ۳- استفاده از تعدد قضات در پرونده‌های مهم.
- ۴- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز.
- ۵- تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهی‌ها و تظلمات
- ۶- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب.
- ۷- یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی.
- ۸- اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها.
- ۹- استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی.
- ۱۰- بالا بردن سطح علمی مراکز آموزش حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالا بردن دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمت‌های قضایی.
- ۱۱- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی
- ۱۲- تأمین نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی.
- ۱۳- تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضارت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه بر حسن اجرای آن‌ها.
- ۱۴- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان.
- ۱۵- تنقیح قوانین قضایی.
- ۱۶- گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه.
- ۱۷- گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضایی.

قانون اساسی

اصل یکصد و شصتم: وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش بینی می‌شود.

اصل نودم: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل یکصد و پنجاه و ششم: قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

- ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می کند.
 - ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.
 - ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین.
 - ۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
 - ۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
- اصل یکصد و سی ششم: رئیس جمهور می تواند وزرا را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رای اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیأت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیأت وزیران تقاضای رای اعتماد کند.
- اصل یکصد و پنجاه و هشتم: وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:
- ۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل یکصد و پنجاه و ششم.
 - ۲ - تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی.
 - ۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.
- قانون مسئولیت قوه قضائیه
- ماده ۱ - در صورتی که اعضای شورای عالی قضایی در ارتباط با شغل خود به تخلف متهم گردند رسیدگی در دادگاه انتظامی به عمل خواهد آمد و دادگاه با انجام تحقیقات به موضوع رسیدگی کرده و در حدود مقررات انتظامی حکم صادر می کند، این حکم قطعی است و بلافاصله به مورد اجرا گذاشته می شود.
- ماده ۲ - در صورت محکومیت عضو یا اعضای منتخب، چنانچه محکومیشان از نوع انفصال دائم باشد از سمت خود معزول می شوند. نسبت به اعضای انتصابی دادگاه حکم را به وسیله رئیس جمهوری به اطلاع رهبر می رسانند.
- ماده ۳ - قضات دادگاه های انتظامی را تجدید نظر آن باید حداقل دارای ۴۰ سال سن باشند و رئیس دادگاه باید مجتهد جامع الشرایط باشد.
- تبصره - رعایت شرط سن مذکور در مورد مجتهد جامع الشرایط لازم نیست.
- قانون فوق مشتمل بر سه ماده و یک تبصره در جلسه روز یکشنبه بیست و ششم مهر ماه یک هزار و سیصد و شصت و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۸.۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
- رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه

- ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون کلیه وظایف و اختیاراتی که در قوانین مختلف برای شورای عالی قضایی منظور شده به استثناء اختیارات موضوع تبصره ذیل ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱.۲.۱۴ به رئیس قوه قضائیه محول می شود.
- قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه روز یکشنبه نهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۱.۱۲.۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
- رئیس مجلس شورای اسلامی - علی اکبر ناطق نوری

قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

- ماده ۱ - رئیس قوه قضائیه علاوه بر وظائف و اختیارات موضوع قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱.۱۲.۹، دارای وظائف و اختیارات مصرح در این قانون نیز به شرح زیر می باشد:
- الف - ایجاد تشکیلات قضائی و اداری لازم و متناسب با وظایف مقرر در اصل یکصد و پنجاه و ششم (۱۵۶) قانون اساسی در دادگستری.
- ب - انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستانهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه هستند در صورت مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات.
- ج - پیشنهاد بودجه سالیانه قوه قضائیه و سازمانهای وابسته آن به هیأت وزیران.
- ماده ۲ - ریاست قوه قضائیه سمت قضائی است و هرگاه رئیس قوه قضائیه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد.
- ماده ۳ - دولت موظف است لوایح قضائی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.
- ماده ۴ - رئیس قوه قضائیه می تواند صلاحیت قضات را به سه درجه تقسیم و با در نظر گرفتن سوابق علمی و تجربی، درجه صلاحیت هر قاضی را تعیین نماید.
- ماده ۵ - آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.
- تاریخ تصویب ۱۳۷۸.۱۲.۸
- تاریخ تأیید شورای نگهبان ۱۳۷۸.۱۲.۹

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه

ماده واحده - یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ به شرح زیر الحاق می شود:

تبصره - در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سیام مهرماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید. علی لاریجانی

قانون وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در مواردی که اختیارات و وظایف مالی و اداری و استخدام غیر قضایی شورای عالی قضایی به وی تفویض می گردد.

ماده واحده - شورای عالی قضایی می تواند اختیارات و وظایف مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضایی خود را به وزیر دادگستری تفویض کند، در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قانون محاسبات عمومی کشور، قانون بودجه و دیگر قوانین مالی و اداری و استخدامی برای سایر وزراء به عنوان عالی ترین مقام اجرایی پیش بینی شده است یا پیش بینی خواهد شد. این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا است. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه مورخ ۱۳۶۷.۲.۲۸ مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفته و در جلسه مورخ ۱۳۶۷.۳.۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی به تأیید رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی

قانون برنامه پنجساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵

فصل هشتم - حقوقی قضائی

ماده ۲۱۱-

الف- قوه قضائیه مکلف است به منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضائی، استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزین کردن ضمانت اجرای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه نواح قضائی مورد نیاز را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

ب- در اجرای بند (۱۲) سیاست‌های کلی نظام در امور قضائی نیازهای قوه قضائیه در زمینه‌های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول (۱۵۶)، (۱۵۷) و (۱۵۸) قانون اساسی در طول برنامه به نحوی تأمین گردد که سالانه ده درصد (۱۰٪) از پستهای بلائصدی مصوب موجود در پایان سال ۸۸ تکمیل گردد.

تبصره - سقف جذب قضات سالانه تا ۸۰۰ نفر است.

ج- در اجرای بندهای (۱)، (۶)، (۸)، (۱۱) و (۱۲) سیاست‌های کلی نظام در امور قضائی، قوه قضائیه موظف است

اقدامات زیر در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها را انجام دهد:

۱- تقویت و سازماندهی نهادهای نظارتی از جمله دیوان عالی کشور بر عملکرد محاکم و کارکنان قضائی و اداری جهت افزایش دقت در انجام امور محوله

۲- تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضائی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان، تا پایان سال

اول برنامه

تبصره - کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی ضابط قوه قضائیه می‌باشند مکلفند با درخواست قوه قضائیه نسبت به

اجرای آموزش‌های تخصصی مربوطه زیر نظر قوه قضائیه اقدام نمایند.

د- به منظور گسترش فرهنگ حقوقی و قضائی، اصلاح رفتار حقوقی و قضائی مردم، نهادینه‌سازی فرهنگ

قانون‌مداری و نیز در راستای پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش دعاوی حقوقی، اقدامات ذیل انجام می‌شود:

۱- آموزش همگانی طبق برنامه مصوب قوه قضائیه از طریق صدا و سیما

۲- آموزش همگانی حقوق شهروندی در خصوص امور مالیاتی، اداری، کار و تأمین اجتماعی، محیط زیست،

بانکی، بیمه‌ای و مشابه آن توسط دستگاه‌های ذی‌ربط از طریق صدا و سیما

۳- پیش‌بینی مواد درسی لازم برای آموزش‌های مذکور در دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه

تبصره - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است در اجرای اجراء (۱) و (۲) زمان مناسب را

برای پخش برنامه‌هایی که در این خصوص توسط قوه قضائیه، دستگاه‌های مربوطه یا آن سازمان تهیه می‌شود، اختصاص دهد.

۴- قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه ترتیبی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء

صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار گیرد.

ه- به منظور تحقق بند (۳) سیاست‌های کلی قضائی پنجساله ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، دستگاه‌های

اجرائی از جمله نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر جمعیت هلال احمر و

شهرداریها، مکلفند در چهارچوب وظایف خود همکاری لازم را با قوه قضائیه در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، معمول دارند.

و- در اجرای بند (۹) سیاست‌های کلی قضائی پنجساله ابلاغی مقام معظم رهبری، قوه قضائیه مکلف است:

۱- نسبت به تشکیل شعب تخصصی دادرها و دادگاه های کیفری و حقوقی اقدام کند.
۲- با همکاری دولت نسبت به تهیه لایحه نهاد مستقل داوری داخلی و بین المللی تا پایان سال سوم برنامه اقدام کند تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

ز- به منظور تسهیل در رسیدگی به پرونده ها و ارتقاء کیفیت رسیدگی به پرونده ها قوه قضائیه مکلف به انجام موارد زیر است:

۱- با همکاری سازمان پزشکی قانونی، دادستانی کل کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات لازم را جهت تقویت و انسجام گروه های بررسی صحنه جرم و تهیه شناسنامه هویت ژنتیکی افراد با بهره گیری از نیروهای متخصص و روشها و تجهیزات روزآمد به عمل آورد.

۲- از محل منابع و امکانات موجود نسبت به ایجاد دفاتر نمایندگی استانی دیوان عدالت اداری در محل دادگستری استانها اقدام کند.

ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضائی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به ویژه سامانه مدیریت پرونده های قضائی، راه اندازی مرکز ملی داده های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضائی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندانها، سازمان پزشکی قانونی راه اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است به منظور ارتقاء ضریب امنیت در اسناد مالکیت، کاهش پرونده های مرتبط با اسناد در محاکم قضائی، رفومی نمودن اقلام اطلاعاتی سند و اجرائی نمودن ثبت نرین با استفاده از فناوری اطلاعات، نسبت به تعویض اسناد مالکیت اقدام کند.

تبصره- وزارتخانه های جهاد کشاورزی و مسکن و شهرسازی و سازمان اوقاف و امور خیریه، مکلفند در طول برنامه پنجم، ضمن شناسایی و ارائه مستندات کلیه اراضی ملکی و تحت تولید خویش، با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای تهیه نقشه املاک مذکور بر اساس استاندارد حدنگاری (کاداستر) همکاری نمایند.

۳- به قوه قضائیه اجازه داده می شود بر اساس آئین نامه ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می رسد، اسناد و اوراق پرونده های قضائی که نگهداری سوابق آنها ضروری می باشد را با استفاده از فناوریهای اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحاء آنها اقدام نماید مشروط بر آن که حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آنها گذشته باشد. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضائی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود.

اصل پرونده های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ و نگهداری خواهد شد.

۴- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی موظف است نسبت به ایجاد سامانه های الکترونیکی برای اجرای محکومینهای حبس و قرارهای تأمینی، اقدام نماید.

ط- در راستای توسعه دسترسی جامعه به عدالت قضائی و حفظ شأن و منزلت مراجعان و کارکنان قوه قضائیه مکلف به انجام موارد زیر است:

۱- نوسازی و توسعه فضاهای فیزیکی قوه قضائیه و سازمانهای تابعه از جمله ساختمانهای ستادی، دادرها، دادگستری، زندانها، بازداشتگاهها، کانونهای اصلاح و تربیت در مناطق مورد نیاز، واحدهای ثبتی، واحدهای پزشکی قانونی، ادارات سازمان بازرسی کل کشور و سازمان قضائی نیروهای مسلح، با رعایت استانداردهای لازم در سقف اعتبارات مصوب

۲- تسهیل در احقاق حق افراد نیازمند مورد تأیید دستگاههای حمایتی در پرونده‌های قضائی و تمهید ساز و کار مناسب برای استفاده این افراد در موارد ضروری از وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری از طریق کانونهای مربوطه، علاوه بر استفاده از ظرفیتهای وکالت نسخیری، در سقف اعتبارات مصوب و با استفاده از سازمانهای مردم نهاد

۳- ارتقاء کیفیت و افزایش دقت، سرعت و همچنین رضایتمندی مردم از روند پرونده‌های اجرائی از طریق افزایش دواير اجرائی اسناد در مراکز استانی

۴- قوه قضائیه موظف است لایحه جامع اداری و استخدامی خود را تهیه نماید تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

۵- قوه قضائیه مکلف است سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی در کلیه مراجع قضائی را طراحی نماید به نحوی که در این سامانه حداقل:

- ۱- علت تجدید وقت رسیدگی برای اصحاب دعوا معلوم و قابل دسترسی باشد.
- ۲- وقت رسیدگی به پرونده‌ها با در نظر داشتن اوقات فوری خارج از نوبت به طور خودکار تعیین شود.
- ۳- مدت زمان رسیدگی به پرونده در محاکم کیفری حداکثر سه ماه و پرونده‌های حقوقی حداکثر پنج ماه بیشتر نباشد.

تبصره- در صورتی که موضوع دعوا به نحوی باشد که برای تکمیل پرونده و صدور رأی به زمان بیشتری نیاز باشد، این امر با ذکر دلیل به مقام بالاتر اعلام می‌شود به گونه‌ای که برای اصحاب دعوا نیز قابل دسترسی باشد.

- ۴- رؤسای حوزه‌ها موظف باشند با نظارت مستمر وقت رسیدگی به پرونده‌هایی که معذرت‌تصمیم‌گیری بوده و بدون علت منتهی به تصمیم نگردیده‌اند را ضمن تذکر به قاضی و اعلام به مراجع ذیصلاح معین نمایند.
- ۵- مراجع نظارتی به طور خودکار از پرونده‌هایی که برابر قانون منتهی به تصمیم‌گیری نگردیده‌اند اطلاع حاصل نمایند.

ل- دیوان عدالت اداری مکلف است از طریق تقویت کمیسیونهای تخصصی و افزایش تعداد مشاوران و کارشناسان و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی قضات ضمن افزایش تعامل با دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور و اشراف به موضوعات تخصصی مورد شکایت، افزایش دقت و سرعت رسیدگی به پرونده‌ها و کاهش زمان دادرسی را فراهم نماید.

م- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است در راستای توسعه سامانه یکپارچه ثبت اسناد و املاک و راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های ثبتی، نسبت به الکترونیکی کردن کلیه مراحل ثبت معاملات تا پایان سال دوم برنامه اقدام کند، به نحوی که امکان پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت آنی معاملات با به‌کارگیری امضاء الکترونیکی مطمئن فراهم شود.

ن- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرائی، مؤسسات عمومی و مردم نهاد، به منظور باز اجتماعی شدن محکومان در طول برنامه اقدامات ذیل را به اجرا گذارد:

۱- با رویکرد ارتقاء بازدارندگی و جنبه اصلاحی مجازات حبس، اصلاح محیط زندانها از طریق اقداماتی نظیر طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت‌شدگان بر اساس سابقه و نوع جرائم ارتکابی، تفکیک متهمان از محکومان در بازداشتگاههای موقت در شهرهای بالای بیست هزار نفر جمعیت

۲- آموزش زندانیان واجد شرایط با همکاری وزارت آموزش و پرورش

۳- رفع مشکل معیشتی خانواده‌های زندانیان بی‌یضاعت با همکاری کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و سایر نهادهای ذی‌ربط

۴- معرفی زندانیان نیازمند اشتغال به مراجع ذی‌ربط پس از آزادی

س- سازمان پزشکی قانونی مکلف است تحقیقات لازم برای بررسی عوامل منجر به مصدومیت و مرگهای غیرطبیعی در موارد ارجاعی را انجام دهد و با توجه به نتایج به دست آمده، نسبت به برنامه ریزی و آموزش برای پیشگیری و کاهش جراثیم، تخلفات و آسیب های اجتماعی ناشی از آنها اقدام کند.

ع- قوه قضائیه مکلف است تمهیدات لازم به منظور ارتقاء سطح استفاده از ظرفیتهای وزارت دادگستری را فراهم آورد.

ف- دولت در طول برنامه اعتبارات لازم برای اجرای تکالیف مقرر در این ماده را در قالب بودجه سنواری پیش بینی می نماید.

ماده ۲۱۲- قوه قضائیه موظف است با رعایت سیاستهای کلی نظام در امور قضائی لایحه جامع وکالت و مشاوره حقوقی را در طول سال اول برنامه تهیه و از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

نظر شورای نگهبان در ارتباط با اصل ۱۶۰ قانون اساسی حدود اختیار وزیر دادگستری مصوب ۱۳۵۹/۰۹/۱۱

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در رابطه با حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری سئوالات زیر مطرح است خواهشمند است با توجه به اصول مربوط از قانون اساسی نظر آن شورا روشن شود تا تکلیف مسائل مورد تردید مشخص گردد:

۱- اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه، و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت است، برطبق اصول آینده این قانون اعمال میگردند. این قوا مستقل از یکدیگر و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهوری برقرار میگردد.

۲- اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل میشود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعدی میآید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ میگردد.

۳- اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده از طریق رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء است.

۴- اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.

۵- اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حبسیه که قانون معین میکند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تمیز مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۶- اصل یکصد و پنجاه و هفتم

بمنظور انجام مسئولیتهای قوه قضائیه شورایی بنام شورای عالی قضائی تشکیل میگردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن بشرح زیر میباشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و هشتم .

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی .

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری ، طبق قانون .

۷- اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانیکه شورای عالی قضائی به نخست وزیر پیشنهاد میکند انتخاب میگردد .

با توجه به اصول مزبور درباره اداره کارگزینی ، اداره خدمات ، اداره امور مالی ، اداره روزنامه رسمی ، اداره پزشکی قانونی ، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظایر اینها این سوال مطرح است که آیا مسئولیت اداره آنها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است ، یا با شورایعالی قضائی که مستقل از قوه مجریه است .

یکه نظر اینست که مسئولیت این امور بر عهده شورایعالی قضائی است به دلایل زیر :

الف: استقلال قوه مقننه و قوه قضائیه ایجاب میکند که اداره امور مربوط به کلیه نیازمندیهای هر قوه نیز بدست همان قوه باشد . بهمین جهت با این که کار قوه مقننه قانونگذاری و نظارت بر امور کشور است اداره کارگزینی ، کارپرداز و چاپخانه مجلس ، کتابخانه مجلس ، حسابداری و نظائر اینها در قوه مقننه در اختیار خود مجلس و هیئت رئیسه مجلس است . بدین ترتیب در مورد قوه قضائیه نیز هر چند کار اصلی رسیدگی به دعوی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و نظائر اینها است ، ولی کارهایی که در رابطه با تأمین نیازهای این دادگاهها و مدارک ثبتی مورد استناد این دادگاهها است باید مستقل از قوه مجریه و در اختیار شورایعالی قضائی که مسئول قوه قضائیه است باشد .

ب : دراصل یکصد و شصتم وظایف وزیر دادگستری صریحاً ذکر و گفته شده است که وزیر دادگستری رابط میان قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه است و مقام آن اینست که در اداره امور داخلی این قوه دخالت و مسئولیتی ندارد و کار او نظیر کاری است که در گذشته معاون پارلمانی وزارت دادگستری انجام می داده ، متهمی در رابطه با مجلس و هیئت دولت هر دو .

ج: مضمون بند ۳ از اصل یکصد و پنجاه و هفتم :

استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری ، طبق قانون .

نظر دیگر اینست که چون این امور بخودی خود و صریحاً از ارتباطش با دادگاههای امور اجرایی است ، باید در دست قوه مجریه باشد و در این صورت میتواند مسئولیت آن بر عهده وزیر دادگستری قرار گیرد .

خواهشمند است با توجه به این جهات و ضرورت یکسان بودن وضع در مورد قوه مقننه و قوه قضائیه در رابطه با مسائل اداری و مالی مربوط به هر قوه نظر آن شورای محترم را اعلام فرمایند .

از طرف شورایعالی قضائی جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

شورایعالی قضائی

عطف بنامه شماره ۷۷۲۷/ش - ۱۳۵۹/۹/۶ :

موضوع سوال در شورای نگهبان مطرح و بشرح زیر اظهار نظر گردید :

وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران میباشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند: اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات پزشکی قانونی وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور بعهده شورایعالی قضائی میباشد.

شورای نگهبان

قانون نظارت بر رفتار قضات

کلیات

ماده ۱- نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضائی آنها به شرح مواد این قانون است.

ماده ۲- تمامی قضائی که به حکم رئیس قوه قضائیه به سمت قضائی منصوب می شوند مشمول این قانون می باشند. تبصره- به تخلفات انتظامی قضات دادگاه و دادرسی ویژه روحانیت، مطابق آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت رسیدگی می شود.

ماده ۳- عبارات اختصاری به کار رفته در این قانون در معانی ذیل تعریف می گردد:

دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر: دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات

دادسرا: دادرسی انتظامی قضات

دادستان: دادستان انتظامی قضات

دادیار: دادیار انتظامی قضات

دادگاه عالی صلاحیت: دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت: دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات

فصل اول- دادگاه عالی و دادرسی انتظامی قضات

ماده ۴- دادگاه عالی و دادگاه تجدیدنظر در تهران تشکیل می شود و بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد است. هر شعبه دارای یک رئیس و دو مستشار است.

تبصره- دادگاههای مذکور به تعداد کافی عضو معاون دارد که در غیاب هر یک از اعضاء با دستور رئیس دادگاه عالی، وظیفه وی را انجام می دهند.

ماده ۵- رئیس، مستشاران و عضوهای معاون دادگاههای مذکور از بین قضات دارای بالاترین پایه قضائی توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند و باید حداقل دارای بیست و پنج سال سابقه کار قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود، محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر نداشته باشند. این قضات را به جز موارد مشمول اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی نمی توان بدون تمایل آنان تغییر داد.

تبصره- رؤساء شعب دادگاههای عالی و عالی تجدیدنظر در بالاترین گروه شغلی و مستشاران و عضو معاون دادگاههای مذکور به ترتیب در یک گروه و دو گروه پایین تر قرار می گیرند.

ماده ۶- امور زیر در صلاحیت دادگاه عالی است:

۱- رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات

۲- رسیدگی به پیشنهاد دادستان در مورد تعلیق قاضی از خدمت قضائی

۳- ترفیع پایه قضائی

۴- حل اختلاف بین دادستان انتظامی و دادیار انتظامی موضوع ماده (۲۸) این قانون

۵- رسیدگی به اعتراض به قرار تعلیق تعقیب انتظامی

۶- اظهارنظر در خصوص اشتهاء یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و

هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی و ماده (۳۰) این قانون

۷- سایر امور به موجب قوانین خاص

ماده ۷- به تخلفات اعضاء دادگاههای عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان توسط هیأتی مرکب از رؤساء شعب دیوان عالی

کشور که با حضور دوسوم آنان رسمیت می‌یابد رسیدگی می‌شود. ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت حاضرین است.

رسیدگی در این هیأت منوط به صدور کیفرخواست از جانب دادستان کل کشور است.

تبصره - به تخلفات اداری قضائی که در زمان ارتکاب دارای سمت اداری بوده‌اند، در دادگاه عالی رسیدگی می‌شود و به

تخلفات انتظامی شخصی که از شغل قضائی به شغل اداری انتقال یافته است در صورتی که تخلف مربوط به زمان تصدی وی

در شغل قضائی گردد نیز در دادسرا رسیدگی می‌گردد. در هر حال مجازات، مطابق مقررات حاکم در موقع ارتکاب تخلف

تعیین می‌شود.

ماده ۸- دادسرا در محیت دادگاه عالی مطابق این قانون انجام وظیفه می‌نماید.

ماده ۹- ریاست دادسرا به عهده دادستان است که باید حداقل دارای بیست سال سابقه کار قضائی باشد و در ده سال اخیر

خدمت خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشد.

ماده ۱۰- دادستان به تعداد کافی معاون و دادیار دارد. دادیار و معاون دادسرا باید حداقل دارای پانزده سال سابقه کار قضائی

باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشند.

ماده ۱۱- وظایف و اختیارات دادسرا عبارت است از:

۱- بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات و تعقیب انتظامی آنان در هر مقام و رتبه

۲- نظارت مستمر بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنان و تحقیق در اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شأن قضائی یا رعایت

حریم خصوصی آنان

۳- پیشنهاد تعلیق قاضی از خدمت قضائی به دادگاه عالی

۴- پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی یا عملی برجسته به رئیس قوه قضائیه

۵- پیشنهاد جابه‌جایی قضات به رئیس قوه قضائیه در اجرای اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی

۶- بازرسی و تهیه گزارش در مورد عملکرد قضات برحسب درخواست

رئیس قوه قضائیه

۷- سایر وظایف به موجب قوانین خاص

تبصره - درخواست تعلیق قاضی و صدور کیفرخواست و قرار تعلیق تعقیب انتظامی فقط بر عهده دادستان است. در غیاب

دادستان یا موارد رد دادرس، معاون اول وی این امور را برعهده دارد.

ماده ۱۲- نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات بر اساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ

تصویب این قانون به پیشنهاد دادستان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

فصل دوم - مجازاتها و تخلفات انتظامی

ماده ۱۳- مجازاتهای انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است:

۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی

۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی

- ۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه
- ۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال
- ۵- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال
- ۶- تنزل یک پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی
- ۷- تنزل دو پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه کارمندی
- ۸- انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه
- ۹- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال
- ۱۰- خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی یا داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه
- ۱۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی
- ۱۲- انفصال دائم از خدمت قضائی
- ۱۳- انفصال دائم از خدمات دولتی
- ماده ۱۴- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند:
 - ۱- درج نکردن مشخصات خود یا امضاء نکردن زیر صورتجلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانا نوشتن یا به کار بردن کلمه یا عبارت سبک و ناپسند
 - ۲- عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن
 - ۳- عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضاء آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه
 - ۴- عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضائی بر عملکرد اداری شعب
 - ۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضائی نسبت به مراجع نالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعلیمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط
 - ۶- بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأتها و کمیسیونهایی که قاضی موظف به شرکت در آنها است، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی
 - ۷- غیبت غیرموجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره سه ماهه
 - ۸- اهمال در انجام وظایف محوله
 - ۹- اعلام نظر ماهوری قاضی پیش از صدور رأی
- ماده ۱۵- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد:
 - ۱- صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل
 - ۲- غیبت غیرموجه از شش تا سی روز در یک دوره سه ماهه یا خودداری غیرموجه از عزمیت به محل خدمت یا ترک خدمت به مدت کمتر از سی روز
 - ۳- دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه
 - ۴- تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر آن

- ۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی
- ۶- رفتار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن
- ۷- تأخیر غیرموجه بیش از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن
- ۸- عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی
- ۹- خودداری از اعلام تخلفات کارکنان اداری، ضابطان، وکلاء دادگستری، کارشناسان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی قوه قضائیه و مترجمان رسمی به مراجع مربوط، در موارد الزام قانون
- ۱۶- مرتکبان هر یک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه شش تا ده محکوم می‌شوند:

- ۱- سوء استفاده از اموال دولتی، عمومی و توفیقی
- ۲- خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی
- ۳- خودداری از پذیرش مستندات و لوائح طرفین و وکلاء آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده
- ۴- خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترک خدمت بیش از سی روز
- ۵- استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی
- ماده ۱۷- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شوند:

- ۱- گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر
- ۲- اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱) قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیتهای تجاری موضوع ماده (۱) قانون تجارت
- ۳- خارج کردن مستندات و لوائح طرفین از پرونده
- ۴- خروج از بی طرفی در انجام وظایف قضائی
- ۵- پذیرفتن هرگونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیرمتعارف به اعتبار جایگاه قضائی
- ۶- رفتار خلاف شأن قضائی
- تبصره- رفتار خلاف شأن قضائی عبارت است از انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند.

- ماده ۱۸- تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازاتهای انتظامی درجه دو تا پنج است.
- تبصره- اگر تخلف از قانون، عمدی و برای اجرای مقصودی له یا علیه یکی از اصحاب دعوی یا به لحاظ پذیرفتن توبه و مغلوب نفوذ شدن صورت گیرد و منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، مرتکب نسبت به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شود.
- ماده ۱۹- ارتکاب فعل واحد که واجد عناوین تخلفات متعدد باشد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است و چنانچه تخلفات ارتکابی دارای مجازاتهای متفاوتی باشند، مرتکب به مجازات تخلفی که مجازات شدیدتری دارد محکوم می‌شود.
- ماده ۲۰- چنانچه ظرف دو سال تخلفی که در گذشته برای آن مجازات تعیین و اجراء شده است، تکرار شود، مرتکب به مجازاتی حداقل یک درجه بیشتر از مجازات قبلی، موضوع ماده (۱۳) این قانون محکوم می‌شود.

- ماده ۲۱- به محکومین مستوجب مجازات بند (۱۲) ماده (۱۳) این قانون (در صورت تقاضا) و همچنین بند (۱۳) ماده مزبور، معادل وجوهی که در طی سنوات خدمت به صندوق بازنشستگی واریز نموده‌اند با رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه موضوع مفاد ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در

امور مدنی پرداخت می گردد.

فصل سوم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده ۲۲- جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی به قرار زیر است:

۱- شکایت ذی نفع یا نماینده قانونی او

۲- اعلام رئیس قوه قضائیه

۳- اعلام رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور

۴- اعلام شعبه دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به پرونده قضائی

۵- ارجاع دادگاه عالی

۶- اطلاع دادستان

تبصره ۱- در مورد بند (۶) هرگاه دادستان پس از بررسی ابتدائی موارد اعلام شده را بی اساس تشخیص دهد، دستور بایگائی آن را صادر می کند و در غیر این صورت برای رسیدگی به یکی از دادیاران ارجاع می نماید.

تبصره ۲- تصمیم دادسرا مبنی بر تعقیب یا عدم آن به نحو مقتضی به اطلاع شاکی می رسد.

ماده ۲۳- رؤساء دادگستری مراکز استانها موظفند شکایات انتظامی مردم در برابر قضات را دریافت نموده و پس از ثبت در دفتر مخصوص و تسلیم رسید به شاکی حداکثر ظرف یک هفته به دادسرای انتظامی قضات ارسال نمایند.

تبصره- شاکی می تواند برای شکایت یا اطلاع از روند پرونده به دادسرای انتظامی قضات نیز مراجعه نماید.

ماده ۲۴- چنانچه دادیار در حین رسیدگی به پرونده، تخلف دیگری را کشف کند موظف است نسبت به آن نیز رسیدگی و اظهار نظر نماید.

تبصره- چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد مدارک مربوط جهت رسیدگی برای مرجع صالح قضائی ارسال می شود.

ماده ۲۵- در موارد زیر تعقیب انتظامی موقوف می شود:

۱- موضوع پرونده انتظامی قبلاً رسیدگی شده باشد.

۲- موضوع پرونده انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد.

۳- قاضی که تخلف به وی منسوب است، فوت شده یا بازنشسته، بازنشسته، مستعفی و یا به هر نحو دیگر از خدمت قضائی به طور دائم منفک شده باشد.

تبصره- مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال است.

ماده ۲۶- قضات دادسرا در جهت انجام وظایف می توانند اطلاعات، اسناد و اوراق مورد نیاز را از مراجع قضائی، وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی مطالبه نمایند.

مراجع مزبور مکلفند به فوریت نسبت به اجابت خواسته اقدام و نتیجه را اعلام نمایند. عدم اجابت به موقع، تخلف اداری محسوب و متخلف یا مقام مسؤول مراجع مذکور، به یک ماه تا یک سال انفصال از خدمت محکوم می شود.

ماده ۲۷- قضات دادسرا می توانند راجع به تخلف انتظامی از ذی نفع، افراد مطلع و قاضی که تخلف متسبب به او است با رعایت شأن قضائی توضیحات لازم را اخذ نمایند.

ماده ۲۸- در صورتی که دادیار پس از رسیدگی، عقیده به تعقیب قاضی داشته باشد و دادستان هم با وی موافق باشد،

کیفرخواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عالی ارسال می شود و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد با اصرار دادیار بر نظر خود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود. در سایر موارد نظر دادستان لازم الاتباع است.

ماده ۲۹- دادستان می تواند با وجود احراز تخلف از ناحیه قاضی یا توجه به میزان سابقه و تجارب قضائی و همچنین با در

نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقمندی قاضی به انجام وظایف محوله و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را تعلیق و مراتب را به او اعلام نماید، مشروط بر این که تخلف مزبور مستلزم مجازات انتظامی از درجه هشت و بالاتر نباشد.

ماده ۳۰- رسیدگی به دعوی جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوی مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

تبصره - تعلیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

ماده ۳۱- قاضی که تعقیب انتظامی او تعلیق شده است، در صورت ادعاه

عدم ارتکاب تخلف می تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ قرار تعلیق تعقیب، رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی درخواست کند. در این صورت چنانچه دادگاه عالی، قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم می کند.

ماده ۳۲- تعلیق تعقیب انتظامی هر قاضی با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای هر دو سال از تاریخ ابلاغ قرار تعلیق بیش از یکبار امکانپذیر نیست. در صورتی که قاضی با وجود برخوردار بودن از تعلیق تعقیب، ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ قرار مذکور، مرتکب تخلف جدیدی شود یا صدور کیفرخواست دادستان، تخلف مشمول تعلیق نیز در دادگاه عالی، مورد رسیدگی قرار می گیرد.

ماده ۳۳- به تخلفات انتظامی قضات در دادگاه عالی و به موجب کیفرخواست دادستان و در محدوده کیفرخواست رسیدگی می شود.

ماده ۳۴- رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پس از وصول پرونده، رسیدگی را به یکی از شعب ارجاع می نماید. شعبه پس از ثبت پرونده، نسخه ای از کیفرخواست را از طریق رئیس کل دادگستری استان در اسرع وقت به نجر محرمانه به قاضی تحت تعقیب انتظامی ابلاغ می کند و نسخه دوم ابلاغ شده، اعاده می گردد. قاضی یاد شده می تواند دفاعیات خود را به همراه مستندات ظرف یک ماه پس از ابلاغ ارائه نماید.

تبصره ۱- ابلاغ جز در موارد مصرح در این قانون، تابع آیین دادرسی مدنی است.

تبصره ۲- در غیاب رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پرونده ها، به ترتیب توسط رؤساء شعب بعدی ارجاع می شود.

ماده ۳۵- جلسه دادگاه عالی با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می شود و در صورت عدم حضور هریک از آنان عضو معاون جایگزین می گردد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. در صورت درخواست دادستان یا صلاح دید دادگاه، دادستان یا یکی از معاونان یا دادیاران به نمایندگی از وی به منظور دفاع از کیفرخواست و اداء توضیحات لازم در جلسه حضور می یابد.

ماده ۳۶- آراء دادگاه عالی مبنی بر محکومیت قاضی به مجازات تا درجه پنج، قطعی و در سایر موارد توسط محکوم علیه و در مورد آراء برائت توسط دادستان، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر است.

تبصره ۱- شروع مهلت اعتراض برای دادستان، تاریخ وصول پرونده در دبیرخانه دادسرا است.

تبصره ۲- نحوه ابلاغ آراء به شیوه ابلاغ کیفرخواست است.

ماده ۳۷- محکوم علیه می تواند نسبت به تمامی احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته به مجازات درجه پنج به بالا، صادره از دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر، در صورت وجود یکی از موجبات اعاده دادرسی، درخواست اعاده دادرسی نماید. این درخواست حسب مورد به دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر صادر کننده رأی تقدیم و در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی دادگاه مذکور، در همان دادگاه رسیدگی می شود.

تبصره - جهات اعاده دادرسی در این ماده، تابع آیین دادرسی کیفری است.

ماده ۳۸- اجرای احکام قطعی دادگاههای عالی برعهده دادسرا است.

فصل چهارم- تعلیق قاضی

ماده ۳۹- هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

تبصره ۱- مرجع کیفری صالح می‌تواند تعلیق قاضی را جهت اقدام مقتضی از دادستان درخواست نماید.

تبصره ۲- دادستان مکلف است، پیش از اظهارنظر راجع به تعلیق قاضی به وی اعلام کند که می‌تواند ظرف یک هفته پس از ابلاغ، اظهارات خود را به‌طور کتبی یا با حضور در دادسرا اعلام نماید. دادگاه عالی نیز در صورت اقتضاء به همین ترتیب اقدام می‌نماید.

تبصره ۳- در صورتی که درخواست تعلیق قاضی از سوی دادسرا یا دادگاه عالی رد شود و پس از آن دلیل جدیدی کشف شود، مرجع کیفری صالح می‌تواند

بررسی مجدد موضوع تعلیق را از دادستان درخواست نماید.

ماده ۴۰- تعقیب قاضی در جرائم غیرعمدی، پس از اعلام مرجع کیفری و اجازه دادستان صورت می‌گیرد مگر آن که تعقیب یا اجرای حکم مستلزم جلب یا بازداشت قاضی باشد که در این صورت مطابق ماده (۳۹) این قانون عمل می‌شود.

تبصره - احضار قاضی که برابر این ماده، بدون تعلیق، مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نیز احضار قاضی به عنوان شاهد و مطلع فقط از طریق رئیس کل دادگستری استان و به صورت محرمانه انجام می‌شود.

ماده ۴۱- هرگونه احضار، جلب و بازداشت قضات و بازرسی محل سکونت، محل کار و اماکنی که در تصرف آنان است، بدون رعایت مواد این فصل ممنوع است و مرتکب به مجازات بازداشت غیرقانونی محکوم می‌شود.

ماده ۴۲- قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک سوم تمام حقوق و مزایا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است.

ماده ۴۳- تعقیب و یا محکومیت کیفری و یا عدم هریک، مانع تعقیب و محکومیت انتظامی نیست.

فصل پنجم - رسیدگی به صلاحیت قضات:

ماده ۴۴- رسیدگی به صلاحیت قضائی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرح در این قانون مورد تردید قرار گیرد، با «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات» است. صلاحیت قاضی می‌تواند توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد:

۱- رئیس قوه قضائیه

۲- رئیس دیوان عالی کشور

۳- دادستان کل کشور

۴- رؤسای شعب دادگاه عالی و تجدیدنظر آن

۵- دادستان انتظامی قضات

۶- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به قضات آن سازمان

تبصره ۱- این دادگاه فقط به صلاحیت قضائی که صلاحیت آنها مورد تردید

قرار گرفته است رسیدگی می‌کند و سایر موارد در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات است.

تبصره ۲- رئیس قوه قضائیه در صورت تأیید رأی قطعی این دادگاه، دستور اجرای آن را صادر می‌نماید.

ماده ۴۵- در صورت تردید نسبت به صلاحیت قاضی طبق ماده قبل، موضوع از سوی مقام تردیدکننده صلاحیت به نحو مستند و مستدل به کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات مرکب از اشخاص ذیل اعلام می‌گردد:

۱- معاون قضائی رئیس قوه قضائیه

۲- معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری

۳- معاون قضائی رئیس دیوان عالی کشور

۴- دادستان انتظامی قضات

کمیسیون مذکور، موضوع را در اسرع وقت بررسی و پس از استماع مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده، چنانچه نظر بر عدم صلاحیت وی

داشته باشد، نتیجه را حداکثر ظرف ده روز به دادگاه، گزارش خواهد داد. کمیسیون یاد شده، با حضور اکثریت اعضا رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. دبیر این کمیسیون، دادستان است.

ماده ۴۶- دادگاه عالی صلاحیت پس از بررسی گزارش کمیسیون و استماع مدافعات و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده است، در صورت احراز

عدم صلاحیت، حسب مورد وی را به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می‌نماید:

۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی

۲- بازخریدی

۳- بازنشستگی در صورت دارا بودن شرایط قانونی

۴- انفصال دائم از مشاغل قضائی

۵- انفصال دائم از خدمات دولتی

تبصره ۱- عدم ارائه لایحه دفاعیه یا عدم حضور قاضی در دادگاه، با وجود ابلاغ وقت، مانع از رسیدگی نیست.

تبصره ۲- مسئولین بندهای (۴) و (۵) این ماده از مزایای ماده (۲۱) این قانون بهره‌مند می‌شوند.

ماده ۴۷- چنانچه عدم صلاحیت قاضی ناشی از عدم توانایی وی در انجام وظایف محوله باشد، حسب مورد به تنزل مقام (سمت قضائی) یا تبدیل به وضعیت اداری محکوم می‌شود.

ماده ۴۸- رأی دادگاه عالی صلاحیت ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر از طرف محکوم‌علیه در دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت است. محکوم‌علیه می‌تواند تقاضای تجدیدنظر خود را به دفتر دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۴۹- دادگاه عالی صلاحیت و تجدیدنظر آن از سه عضو تشکیل می‌شود و در تهران مستقر است. رئیس و اعضای دادگاه عالی صلاحیت از بین قضات گروه یازده و رئیس و اعضای تجدیدنظر آن از بین قضات گروه دوازده توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند. قضات یاد شده باید حداقل بیست سال سابقه کار قضائی داشته باشند.

تبصره- در صورتی که در بالاترین گروه به تعداد کافی قاضی نباشد یا از رسیدگی معذور باشند، اعضای دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت، از بین قضات گروه یازده و بالاتر توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند.

ماده ۵۰- دادگاههای مذکور در این فصل، با حضور تمامی اعضای رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت مناط اعتبار است. ابلاغ رأی یا دفتر دادگاه است.

تبصره- تصمیمات به نشانی اعلام شده توسط قاضی به کمیسیون به نحو محرمانه ابلاغ می‌شود و هرگاه قاضی آدرس اعلام نکرده باشد، آخرین نشانی موجود در محل خدمت وی معتبر است.

ماده ۵۱- چنانچه نظر کمیسیون یا دادگاههای مذکور در این فصل بر تأیید صلاحیت قاضی است، پرونده مختومه می‌شود.

ماده ۵۲- اجرای حکم قطعی محکومیت با داسرا است.

ماده ۵۳- چنانچه عمل ارتكابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد، مدارك مربوط به مراجع صالحه قضائی جهت رسیدگی ارسال می‌شود.

ماده ۵۴- جهات رد قضات مذکور در این قانون همان موارد رد دادرس در آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۵۵- آیین نامه اجرائی این قانون ظرف سه ماه توسط وزارت دادگستری با همکاری دادستان، تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۵۶- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، تمامی قوانین و مقررات زیر ملغی می‌باشند:

- ۱- ماده (۱۱۳) قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷/۴/۲۷
- ۲- مواد (۲۱)، (۲۳)، (۲۸) و (۳۱) قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارک و مباشرین ثبت اسناد مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۸
- ۳- ماده (۱) قانون راجع به محاکمه انتظامی مصوب ۱۳۰۷/۱۱/۶
- ۴- قانون صلاحیت محکمه انتظامی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۳
- ۵- ماده (۵۱) قانون تسریع محاکمات اصلاحی مصوب ۱۳۱۵/۱۰/۶
- ۶- ماده (۴) قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب ۱۳۱۷/۱۰/۱۱
- ۷- مواد (۳۰) و (۳۳) لغایت (۴۳) لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴
- ۸- بندهای (ج)، (و)، (ز) و (۱) و مواد (۲) و (۳) قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۵/۶/۱۷
- ۹- ماده (۴) راجع به تجدیدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۹
- ۱۰- مواد (۲) و (۶) لایحه قانونی راجع به اصلاح بعضی مواد لوایح قانون مربوط به اصول تشکیلات دادگستری مصوب ۱۳۳۹/۲/۲۱
- ۱۱- مواد (۲۶) و (۲۷) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵
- ۱۲- لایحه قانونی تعیین مرجع تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب ۱۳۵۸/۳/۲۴
- ۱۳- بند (۵) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸
- ۱۴- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات مصوب ۱۳۷۶/۲/۱۷